

گفت‌وگو با کارگردان  
فیلم «ماجان»:  
فیلم کوتاه  
پل رسیدن به  
فیلمسازی بلند  
نیست



گفت و گو با برنده  
سه سیمرغ طراحی صحنه  
و لباس فجر  
مجید میرفخرایی  
از دلهره برای دریافت  
سیمرغ سخن می گوید



گفت‌وگو با  
حامد جعفری:  
جشنواره فجر  
نیاز دارد درک  
خود را از انیمیشن  
بالا ببرد



# فجر چو ل

## دسته دختران در خانه جشنواره فجر



گفت‌وگو با منیر قیدی:  
**شغل من  
مادری است  
و پاره وقت  
فیلم می سازم**

علی نصیریان در نشست بررسی فیلم گاو عنوان کرد  
**مهر جویی اولین معلمی بود که به ما  
یاد داد جلوی دوربین چگونه بازی کنیم**

گفت و گو با سید مرتضی فاطمی کارگردان فیلم «بی‌مادر»  
**با عینک رقابت  
به جشنواره نگاه نمی‌کنم**

# شماره شش



## مدیر مسئول:

یزدان عشیری

## سردبیر:

جواد محرمی

## تحریریه:

مینا فرقانی، محمد صادق عابدینی  
محدثه واعظی پور، سعید مروتی  
محیا حمزه، فاطمه ترکاشوند  
مصطفی پورکیایی، آرش فهیم

## گرافیکست و صفحه آرا:

محسن گل‌دوست

## عکس:

مجید آزاد

## حضور مثبت میدانی مدیران

محل کاخ جشنواره برای پاسخگویی و پیگیری مسائل مربوطه بود.

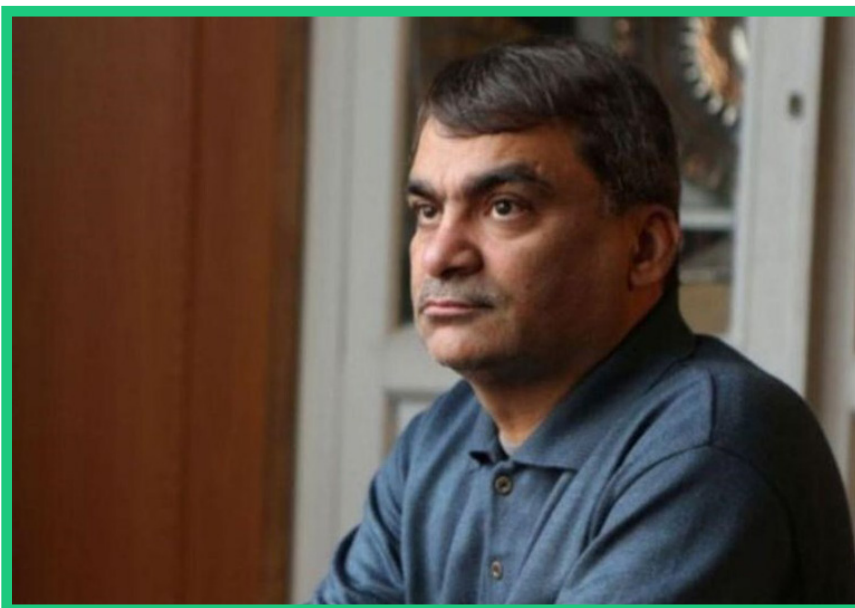
نظم و انضباط بخش های اجرایی و خدماتی جشنواره نیز نسبت به دوره های پیش کاملاً محسوس بود و از ازدحام های بی مورد و آزار دهنده یا صف های بی نظم خبری نبود.

تفکیک هوشمندانه سانس های مخصوص برای اهالی رسانه و سینماگران و نیز میهمانان سایر دستگاه ها نیز باعث گردیده تا هر دو طیف با فراغ بال بهتری به تماشای آثار بنشینند و دیگر چون سالهای گذشته شاهد گریه نوزادان و قدم زدن کودکان در سالن رسانه و منتقدان نباشیم.

امید که این نظم و حضور میدانی مدیران سازمان سینمایی در بطن امورات این سازمان و تعامل با اهالی رسانه و سینما بعد از جشنواره نیز به شکلی مستمر ادامه یابد.

\*منتقد و مستند ساز

روز پنجشنبه در محل برج میلاد ضمن تماشای فیلم های چهارمین جشنواره فیلم فجر، آنچه که توجهم را بخود جلب کرد، نظم و انضباط خاصی بود که در بخش های مختلف مشهود و به شکلی پررنگ محسوس بود. یکی از صحنه های قابل تامل و بلکه قابل تحسین، حضور میدانی جناب خزاعی رئیس سازمان سینمایی و جناب عشیری مدیر کل روابط عمومی سازمان سینمایی در کنار سینماگران و اهالی رسانه و بازدید دقیق و توأم با گفتمان با حاضرین بود که همین تعامل در بهبود کیفی جشنواره و نیز طرح برخی مباحث در حوزه سینما قطعاً راهگشا خواهد بود. اتفاقی که با توجه به چند دهه حضورم در جشنواره فیلم فجر، در کمتر دوره ای دیده بودم و اتفاقاً در بسیاری از دوره های پیشین یکی از انتقادات فعالان سینمایی و رسانه ای در دسترس نبودن موثر و مستمر مدیران سینمایی و جشنواره در





گفت و گو با سید مرتضی فاطمی کارگردان فیلم «بی‌مادر»

## با عینک رقابت به جشنواره نگاه نمی‌کنم

را بداند. بعضی برای مردم و مخاطبان فیلم می‌سازند، بعضی برای منتقدان. البته این تصمیم‌گیری شخصی و با توجه به روحیات و رویکرد افراد انجام می‌گیرد. کسی که بتواند بین این دو تعادل برقرار کند و فیلمی بسازد که هم منتقدان دوست داشته باشند و هم مردم، کار مهمی کرده است.»

فاطمی با بیان اینکه قاعدتاً ریل‌گذاری و سیاست‌گذاری همیشه اثربخشی می‌کند بر محصول، می‌افزاید «چون

سید مرتضی فاطمی با کارگردانی فیلم «بی‌مادر» در این دوره از جشنواره فجر حضور دارد. فیلمی که تهیه‌کنندگی آن را محمدرضا مصباح بر عهده دارد. با فاطمی درباره‌ی جایگاه جشنواره در چهل‌سالگی این رویداد گفت‌وگو کردیم.

فاطمی درباره‌ی میزان بلوغ جشنواره‌ی فجر در آستانه‌ی چهلمین سال برگزاری آن می‌گوید «وقتی یک مراسم، چهل سال مداومت داشته باشد تبدیل به یک آیین ملی می‌شود. جشنواره‌ی فجر هم تقریباً به همین شکل است. مردم می‌دانند در بهمن ماه به مدت ده روز می‌توانند به سینما بروند و کنار هم فیلم‌های جدید را ببینند. اما وضعیتی که داریم مطلوب است یا خیر؟ قاعدتاً توقع‌ها و ظرفیت‌ها بیشتر است و امیدوارم از تمام ظرفیت‌های سینما استفاده شود.»

وی با تأکید بر اهمیت فرهنگ و هنر، تصریح می‌کنند «از نظر من فرهنگ در رأس همه‌ی امور است. البته نه به این معنی که به سیاست، اقتصاد و... بی‌اعتنا باشیم. ولی فرهنگ و هنر در قله‌ی همه‌ی این‌هاست. در فرهنگ و هنر هم سینما در قله است. هیچ لحظه‌ای را در دنیا سراغ نداریم که چندین هزار نفر در سکوت مطلق دو ساعت بنشینند و به حرف کسی گوش کنند. این ظرفیت بالای سینما را نشان می‌دهد، و مهم‌ترین رویدادی که در حوزه‌ی سینما در کشور ما برگزار می‌شود، جشنواره‌ی فجر است.»

### فیلمساز باید اولویت خودش را بداند

سید مرتضی فاطمی معتقد است «کلاً به این قائل نیستم که جشنواره در چیزی تعادل ایجاد کند. تعادل باید از طرف فیلمساز ایجاد شود. فیلمساز باید اولویت خودش

۹۹

**ما یک دوره‌می و جشن ملی داریم که قرار است در آن ۲۲ فیلم منتخب نمایش داده شوند و مردم ببینند و کیف کنند؛ ما هم در کنار مردم لذت ببریم. یک بخش فنی از جامعه هم حضور دارند که هیأت داوران هستند**

۶۶





در زمینه‌ی اقتصاد سینما، صنعت سینما، گردش مالی سینما، رقابت با مدیوم‌ها و پلتفرم‌های مختلف، سینما کار بسیار سختی دارد.»

#### سیمرغ مردمی جذاب‌ترین سیمرغ

فاطمی که با تهیه‌کنندگی سریال‌های تلویزیونی «شرایط خاص» و «هوش سیاه ۲» بیشتر شناخته شد، درباره‌ی اهمیت سیمرغ مردمی می‌گوید «بدون شک جذاب‌ترین سیمرغ است. چون حیات حرفه‌ای تمام افرادی که در عرصه‌ی فرهنگ و هنر (و کلاً کارهایی که نیاز به دیده شدن دارند) فعالیت می‌کنند، وابسته به نگاه مخاطب است. فیلمسازی از ذهن فیلمساز آغاز و به قلب و مغز مخاطب منتهی می‌شود. اگر سفری که از ذهن فیلمساز شروع می‌شود، منجر به آرامش‌گاه نشود، فیلمساز به مراد خود نرسیده است. به همین دلیل هر قدر مخاطب گسترده‌تر و احساس رضایت بیشتری ببیند، از تصمیم خود برای ساخت آن فیلم خشنودتر خواهد بود.»

#### با عینک رقابت به جشنواره نگاه نمی‌کنم

این کارگردان جوان با تأکید بر اینکه هدفش از حضور در جشنواره‌ی فجر رقابت نیست، می‌گوید «ما یک دوره‌می و جشن ملی داریم که قرار است در آن ۲۲ فیلم منتخب نمایش داده شوند و مردم ببینند و کیف کنند؛ ما هم در کنار مردم لذت ببریم. یک بخش فنی از جامعه هم حضور دارند که هیأت داوران هستند؛ یعنی متخصصانی که با یک سری گرایش‌ها و ذائقه‌های شخصی، آثار ما را قضاوت می‌کنند. شاید اگر این هیأت عوض شود، آثار انتخابی هم تغییر کند. پس من می‌کوشم که با عینک رقابت به جشنواره نگاه نکنم. اما امیدوارم در بخش‌های زیادی فیلمم مورد توجه قرار بگیرد.»

سیاست‌گذاری‌های کلان جشنواره را ستاد جشنواره انجام می‌دهد، بر فیلمسازها مؤثر است. اما این تأثیر را آن‌قدر نمی‌بینم که بگویم سینمای ایران متأثر از ریل‌گذاری جشنواره‌ی فیلم فجر است. شاید در بخش محدودیت‌ها و مشکلات متأثر باشد و اتفاقاً همان محدودیت‌ها ایجاد خودسکوفایی و خلاقیت کرده باشد، ولی وقتی سینمای ایران را نگاه می‌کنیم دچار لازماتی و لامکانی نمی‌شویم و نمی‌توانیم بگویم سیاست‌گذاری‌های جشنواره‌ای در آن اعمال می‌شود و سوگیری‌های جشنواره‌ای دارد. اساساً جشنواره‌ی فیلم فجر درست است که تا حدی ریل‌گذاری می‌کند، اما نباید برای سینماگر سوگیری ایجاد کند. باید مسیر را فراهم کند که هنرمند از تمام ظرفیت و خلاقیتش برای ساخت یک فیلم خوب و اثرگذار استفاده کند.»

#### ما تنوع ژانر کمی داریم

فاطمی درباره‌ی حضور درخشان فیلمسازان جوان در جشنواره‌ی فجر می‌گوید «وقتی فیلمساز فیلم‌اولی خودش را در میدان وسیعی می‌بیند که بزرگترهای سینما در آن حضور دارند، در او امید و انگیزه ایجاد می‌شود. این فضا برای او جذاب است و بر آینده‌اش اثر می‌گذارد.» این تهیه‌کننده و کارگردان سینما و تلویزیون با انتقاد از اینکه در سینمای ایران چیزی به اسم تنوع ژانر وجود ندارد، ادامه می‌دهد «ما حتی ژانر هم به آن معنا نداریم. یک گونه‌ی فیلمسازی اجتماعی داریم که به شکل‌های مختلف برگزارش می‌کنیم. ژانرها در سینمای ایران خیلی محدود است. به ندرت و به صورت استثنا فیلم‌هایی در ژانرها و گونه‌های دیگر تولید می‌شود. شاید دلیلش این باشد که نقطه‌ی قوت ما در همین گونه است و می‌توانیم در این گونه و ژانر با فیلمسازهای خوب دنیا رقابت کنیم. ورود به بعضی ژانرها، ملزوماتی نیاز دارد که رأس ملزومات ما، به اندازه‌ی ذیل ملزومات کشورهای صنعتی و پیشرفته در سینما نیست.»

وی همچنین با اشاره به افزایش پلتفرم‌های تصویری و اثرگذاری آن بر فیلمسازی بیان می‌کند «با وجود این‌ها فیلمسازی حتماً سخت‌تر شده است. در کل در بعضی زمینه‌ها سینما نسبت به قبل راحت‌تر شده. ولی



مصاحبه با محمدرضا مصباح تهیه‌کننده فیلم «بی‌مادر»

# اداره درست جشنواره نیاز به پژوهش و کار مداوم دارد

بیشتر مردم خواهیم بود.»

تهیه‌کننده‌ی فیلم «بی‌مادر» معتقد است «اگر فیلمساز تلاش کند بین سلیق مخاطبان خاص (منتقدان) و مخاطبان عام پیوند ایجاد کند، شاهد فیلم‌های روان‌تر و بهتری خواهیم بود که هر دو گروه مخاطبان از آن لذت ببرند. ما باید به سمت سینمای قصه‌گو و روایت‌گر برویم و از فیلمنامه‌های بسته و با نگاه مشخصاً هنری فاصله بگیریم. باید ترکیب درستی از فیلم و فیلمنامه را داشته باشیم. اگر به سمت سینمای قصه‌گو برویم، این پیوند خود به خود ایجاد خواهد شد.»

## فجر فیلم‌ها را پشت وپترین می‌گذارد

مصباح درباره‌ی اثرگذاری جشنواره بر فیلمساز می‌گوید «طبیعتاً اثر دارد، خصوصاً بر فیلمسازهای جوان که انگیزه‌ی زیادی دارند. وقتی فیلمی در جشنواره حاضر می‌شود، درباره‌اش مطلب می‌نویسند، نقد و بررسی‌اش می‌کنند. فجر فیلم‌ها را پشت وپترین می‌گذارد و نهایتاً فیلمساز بیشتر مطرح می‌شود. تمام این‌ها می‌تواند در فیلمسازها ایجاد انگیزه کند. از این فرصت باید استفاده شود. رقابت سنگین در جشنواره بین فیلمسازان جوان و نوپا با پیشکسوتان و بزرگان سینما، به خودی خود رقابتی قشنگ و جذاب است و برای فیلمسازان جوان ایجاد انگیزه می‌کند. در فضای محتوایی جشنواره، فیلم و فیلمساز می‌توانند مؤثر باشند، اما در سبک اجرایی،

## گفت‌وگو

### مینا فرقانی

محمدرضا مصباح با تهیه‌کنندگی فیلم «بی‌مادر» در این دوره از جشنواره حضور دارد. فیلمی که کارگردانی آن را سید مرتضی فاطمی بر عهده دارد. با او درباره‌ی جایگاه جشنواره در چهل‌سالگی این رویداد گفت‌وگو کردیم. مصباح درباره‌ی اهمیت جشنواره‌ی فیلم فجر می‌گوید «امیدوارم این کورسوی امیدی که برای زنده نگه داشتن سینما وجود دارد، با برنامه‌ریزی دقیق و نگاه عمیق و فراچنانی مسئولان، به خورشیدی درخشان تبدیل شود. فکر می‌کنم جشنواره‌ی چهل‌م می‌تواند جشنواره‌ی بلوغ سینمای ایران باشد. طبیعتاً جشنواره‌ی فجر چون بزرگترین جشنواره‌ی سینمایی ایران در قامت فیلم‌های داستانی بلند است، می‌تواند وپترینی از سینمای ایران ارائه دهد. امیدوارم نوع و کیفیت آثار این دوره طوری باشد که مردم سرخورده نشوند و از وقتی که کنار هنرمندان خودشان در جشنواره صرف می‌کنند راضی باشند. اگر جشنواره مرتب و منظم برگزار شود و رسانه‌های گروهی و تبلیغی کمک کنند که جشنواره‌ی فجر بیشتر معرفی شود و شرایط حضور مردم با رعایت پروتکل‌های بهداشتی تسهیل شود، شاهد استقبال





طبیعتاً مسئولان اجرایی تأثیرگذاری بیشتری دارند». این سینماگر برجسته با اشاره به حضور قدرتمند فیلمسازان جوان در این دوره از جشنواره می‌گوید «حضور جوانان و فیلم‌اولی‌ها و دومی‌ها خیلی مهم است. امسال هم خوشبختانه ۵ فیلم‌اول بسیار درخشان داریم که من آن‌ها را دیده‌ام. این برای آینده سینمای ایران واقعاً نویدبخش است که ما شاهد بروز و ظهور یک نسل هنرمند و درجه‌یک در سینما هستیم. بسیار خرسندم که عرض کنم حداقل در آثاری که دیده‌ام و آثاری که وصفشان را شنیده‌ام، فیلمسازان اول دارند به سمت سینمای قصه‌گو حرکت می‌کنند و از آن فضایی که فیلمساز اصرار دارد فیلم اولش را به سبک و سیاق آرتیستی و خیلی ایده‌آل‌گرایانه و بدون توجه به مخاطب بسازد، فاصله می‌گیرند. یعنی می‌بینیم که فیلمساز جوان و فیلمساز اول و دومی، ملاک اول برایش مخاطب و ارتباط برقرار کردن با مخاطب است. این اتفاق بسیار درخشانی است.»

#### درباره تنوع ژانر

مصباح با انتقاد از هجوم فیلمسازان به سمت ژانر اجتماعی عنوان می‌کند: «از بزرگ‌ترین مشکلات سینمای ایران این است که ما دچار یک سری ژانرهای مرسوم و معمول شده‌ایم. تقریباً همه دارند به سمت ژانر اجتماعی می‌روند و فیلم‌ها همه یک مدل هستند. فیلم‌های متنوع و متفاوت کمی می‌بینیم. اگر سینمای ما بپذیرد که اثری مثل «پوست» می‌تواند یک نقطه‌ی عطف در سینمای ایران و یک ژانر متفاوت باشد، اگر به این اثر توجه شود و از لحاظ تجاری آسیبی به سازندگان و سرمایه‌گذارانش وارد نشود، می‌توانیم انتظار داشته باشیم تنوع ژانر اتفاق بیفتد. اما اگر با همین سبک و سیاق و بازیگران مشخص و فیلمسازان مشخص و موضوعات محدود فیلم بسازیم، طبیعتاً جذابیت سینما و فیلم‌ها و ژانرها برای مخاطب از دست می‌رود و سینمای ایران، این مختصر مخاطب خود را از دست می‌دهد. الان سقف مخاطب سینمای ایران

۳-۲ میلیون نفر است که برای جمعیت ۸۰ میلیونی ایران، سرانه‌ی پایینی محسوب می‌شود. ما باید کاری کنیم که همه‌ی مردم ایران فیلم‌بین و مانوس با سینما باشند. این اتفاق با تولید آثار خوب، متنوع و جدید به فضل خدا شدنی است.»

مصباح که برای کارگردانی فیلم کوتاه «کوچه» نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین فیلم کوتاه از سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر بوده است، درباره‌ی اهمیت آرای مردمی می‌گوید «در این بخش بحث سیمرغ نیست، بحث مخاطب است. اینکه فیلمی مورد توجه مخاطب قرار می‌گیرد و مردم که مخاطبان اصلی فیلم هستند، آن را می‌پسندند، برای فیلمساز خیلی مهم است. باید به دنبال یک سازوکار و یک راهکار درست برای کسب آرای مردمی باشیم. اینکه فقط بحث بلیط و رأی دادن باشد، در دوره‌های قبل هم مشکل ایجاد کرده است. بهتر است ترکیبی از فروش بلیط و کسب آرای مردمی از حاضران باشد؛ یعنی کسانی بتوانند رأی بدهند که به صورت حضوری در سالن سینما فیلم را دیده باشند. وگرنه عده‌ای می‌توانند با مبلغی ناچیز و فقط با خرید بلیط، آرای مردمی را جابه‌جا کنند. اداره‌ی درست جشنواره نیاز به پژوهش و کار مداوم دارد. اینکه هر سال دبیر جدیدی با سلیق جدید بیاید، اتفاق خاصی را رقم نمی‌زند. باید کار عمیق پژوهشی و اصولی انجام شود و جشنواره‌ی فجر مثل همه‌ی جشنواره‌های دنیا چارچوب‌مند شود.»

#### سینما و فرهنگ فولکلور

محمدرضا مصباح معتقد است «از لحاظ تنوع ژانر در سینما همچنان عقب‌مانده هستیم. اما از لحاظ فنی و تکنیکال، سینمای ایران بسیار رشد کرده است. اگر سینمای ایران را به سمت فرهنگ اصیل ایرانی و فرهنگ فولکلور محلی در نقاط مختلف کشور سوق دهیم، می‌توانیم فیلم‌هایی را در قامت فیلم‌های تکنیکال و فنی بسیار استاندارد و درجه‌یک با محتوای کاملاً ایرانی تولید کنیم. در این صورت ان‌شاءالله شاهد موفقیت بیش از پیش فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌های جهانی خواهیم بود.»





گفت‌وگو با منیر قیدی  
کارگردان فیلم «دسته‌ی دختران»

## شغل من مادری است و پاره وقت فیلم می‌سازم



### گفت‌وگو

#### مینا فراقی

منیر قیدی با کارگردانی فیلم «دسته‌ی دختران» در این دوره از جشنواره حضور دارد. فیلمی که تهیه‌کنندگی آن را محمدرضا منصوری بر عهده دارد. با او درباره‌ی جایگاه زنان فیلمساز و حضور در جشنواره فیلم فجر در چهل‌سالگی این رویداد گفت‌وگو کردیم.

راز فیلم موفق ویلایی‌ها تا امروز که منیر قیدی با فیلم «دسته‌ی دختران» به جشنواره‌ی فجر برگشته، فاصله‌ای چندساله رقم خورده است. منیر قیدی می‌گوید این فاصله می‌تواند ناشی از سختی‌های فیلمسازی یا نگاه سخت‌گیرانه‌اش به فیلمسازی باشد، و می‌افزاید «ممکن است جنس سختی‌هایی که برای من وجود دارد، با همه‌ی کارگردان‌های دیگر متفاوت باشد. چون شغل اصلی من کارگردانی نیست. شغل اصلی من مادری است. من مادر دو فرزند هستم که آنها برایم در اولویت هستند. شغل پاره‌وقت کارگردانی است که اگر فرصتی داشته باشم آن را انجام می‌دهم. پس جنس مشکلات من با مشکلات یک کارگردان حرفه‌ای که تمام وقتش در اختیار کارش است، فرق دارد و می‌توان گفت مشکلات من منحصر به خودم است. مشکلاتی را که من دارم، قطعاً آنها نخواهند داشت.»

#### ترجیح می‌دهم کم فیلم بسازم

قیدی با بیان اینکه محدودیت زمانش برای کار کردن، باعث سخت‌گیری بیشتر او در انتخاب می‌شود، بیان می‌کند «طبیعتاً سعی می‌کنم از زمان کمی که برای کارگردانی دارم، بهترین و بیشترین استفاده را ببرم. در این صورت سخت‌گیری بیشتر خواهد بود نسبت به کارگردانی که می‌داند هر سال یک فیلم سینمایی و در کنارش یک سریال نمایش خانگی خواهد ساخت و در کنار همه‌ی این‌ها کسب‌وکارهای دیگری هم مرتبط با این حرفه خواهد داشت. این فرد اگر یک فیلم بد هم در کارنامه داشته باشد، در کنار انواع دیگر کارهایش شاید خیلی مهم نباشد. ولی وقتی من زمانم محدود است و هر سال نمی‌توانم فیلم بسازم، سعی می‌کنم با دقت بیشتری فیلمنامه را انتخاب کنم. اگر قرار است ۴-۵ سال یک بار فیلم بسازم، سعی می‌کنم فیلمی باشد که دوستش داشته باشم.»

#### جنسیت مهم نیست، زاویه نگاه فیلمساز اهمیت دارد

کارگردان فیلم «دسته‌ی دختران» درباره‌ی اینکه نگاه زنانه به جنگ و نقش زنان، چقدر می‌تواند از لنز دوربین یک زن فیلمساز متفاوت باشد، تصریح می‌کند «نمی‌شود بیانیه داد که اگر یک زن در این باره فیلم بسازد، بهتر یا بدتر خواهد بود. این بستگی دارد به نگاه کارگردان، چه زن چه مرد. کافی است نگاهش ویژه باشد و از نقطه‌ی درست به سوژه‌اش نگاه کند. به نظرم این اهمیت بیشتری دارد تا زن بودن یا مرد بودن. البته وقتی پای جنسیت به میان می‌آید این تصور را داریم که شاید ما زن‌ها را بهتر می‌شناسیم. به همین خاطر کارکترهای اصلی این دو فیلم من، زن بوده‌اند. ولی به نظرم به طور مطلق نمی‌توان در موردش قطع‌نامه صادر کرد و گفت هر آنچه که زن‌ها درباره‌ی زن‌ها می‌سازند قطعاً بهتر خواهد بود.»

#### جشنواره باید واقعا ویتترین سینما باشد

قیدی در پاسخ به این سؤال که جشنواره‌ی فجر در آستانه‌ی چهل‌سالگی چقدر به بلوغ رسیده و می‌تواند ویتترین برای سینمای ایران باشد می‌گوید «ما چهل‌سالگی را نماد بالندگی می‌دانیم. عدد چهل همیشه با خودش پختگی خاصی می‌آورد. اما درباره‌ی جشنواره‌ی فجر فکر می‌کنم ما در آن مقطع قرار نداریم. به نظرم ما پیش‌تر دوره‌ای از بلوغ را طی کردیم و پشت سر گذاشتیم، و حالا در حال افول از آن بلوغ هستیم. انگار جشنواره‌مان کوچک‌تر و کم‌اهمیت‌تر شده. اینکه تعدادی از فیلمسازان فیلم‌شان را به جشنواره نمی‌دهند و ترجیح می‌دهند در جشنواره‌های دیگر شرکت کنند، یا عجله نمی‌کنند که فیلم‌شان را به جشنواره برسانند، به نظرم نشانه‌های خوبی نیست که برای جشنواره فرستاده می‌شود. در بازخوردهایی که می‌گیرم، این را یک اعلام‌خطر می‌بینم. فکر می‌کنم سیاست‌گذاری‌ها باید برعکس این روند را در پیش بگیرند و آسیب‌شناسی شود تا ببینیم ایراد از کجا بوده که ارزش، اعتبار و اهمیت جشنواره‌مان در حال کاهش است. یک سری حذبیات سلیقه‌ای انجام می‌شود. گاهی در حالی که همه اذعان دارند بعضی فیلم‌ها از لحاظ فنی و موضوعی حوشان بوده در جشنواره باشند، آن فیلم‌ها حذف می‌شوند. با این وضعیت نمی‌توانیم بگوییم جشنواره ویتترین سینمای ایران است. ویتترین زمانی است که انتخاب‌گزینه‌ی صورت نگیرد. وقتی این اتفاق می‌افتد دیگر جنبه‌ی ویتترین بودن جشنواره، که باید هم ویتترین باشد، زیر سؤال می‌رود.»





به شکل رأی در صندوق می‌انداختیم، می‌دیدیم صندوق بعضی فیلم‌ها چسب شیشه‌ای خورده که نتوانیم در قسمت‌هایی که نپسندیده‌ایم رأی بیندازیم. همه‌ی این کارها آن جایزه را زیر سؤال می‌برد. جایزه‌ای را که حتماً می‌تواند مهم‌ترین جایزه‌ی جشنواره باشد، تبدیل کرده‌ایم به یک جایزه‌ی پرحاشیه و مسأله‌دار. به هر حال همه‌ی ما داریم فیلم می‌سازیم که مردم ببینند و چه از این باارزش‌تر که مردم فیلم ما را انتخاب کنند و به ما سیمرغ بدهند. اما به شرط اینکه این قدر برای این جایزه حاشیه به وجود نمی‌آید و همه تا این حد دل‌چرکین نبودند که آیا این سیمرغ به کسی که باید رسیده یا نه، در حق چه کسانی اجحاف شده یا نشده، و... طوری شده که اگر خودم هم روزی این جایزه را بگیرم، ته دلم این خواهد بود که آیا حق من بوده یا من حق کس دیگری را گرفته‌ام و با خودم به خانه برده‌ام؟»

### تاثیر جشنواره فجر و فیلمسازها دوطرفه است

این فیلمساز راه‌یافته به جشنواره‌ی فیلم فجر ۱۴۰۰ با بیان اینکه اثرگذاری جشنواره‌ی فجر و فیلمسازها بر همدیگر، یک اتفاق دو طرفه است، توضیح می‌دهد «اگر به مسیری که در طول این سال‌ها طی شده دقت کنیم، می‌بینیم هر دو بر هم اثرگذارند. گاهی بعضی فیلم‌ها حتی بر خلاف جریان رایج جشنواره بوده‌اند، ولی آن‌قدر قوی بوده‌اند که داوران را مجاب کرده‌اند که اکثر جوایز را به آن اختصاص دهند. گاهی هم بعضی فیلم‌ها جوایز زیادی را از داوران گرفته‌اند و در سال‌های بعد سیل فیلمسازهایی را دیده‌ایم که در آن سبک فیلم ساخته‌اند تا در جشنواره جایگاهی برای خودشان پیدا کنند. به همین خاطر فکر می‌کنم این اثر دو طرفه است. اتفاقاً جذابیتش هم در همین است.»

### فیلمسازان جوان باعث افتخار هستند

قیدی درباره‌ی فیلمسازهای جوان می‌گوید «بعضی از فیلمسازان جوان که در سال‌های اخیر آمده‌اند، پدیده‌های فوق‌العاده‌ای هستند که من را خیلی شگفت‌زده و امیدوار به آینده‌ی سینما می‌کنند و سر ذوق می‌آورند. هم از نظر تکنیکی و هم از نظر موضوع‌یابی و پرداختن به موضوعات و نگاه نوپیی که دارند، قابل تجلیل و تقدیر هستند. به نظرم واقعاً باعث افتخارند.»

### اعتبار سیمرغ مردمی را لکه دار نکنیم

منیر قیدی با اشاره به حواشی و حساسیت سیمرغ مردمی می‌گوید «به نظرم می‌تواند مهم‌ترین جایزه‌ی جشنواره باشد؛ منتها ما خودمان با شرایط و اما و اگرهایی که در حاشیه‌ی این موضوع ایجاد کرده‌ایم، داریم ریشه‌اش را می‌زنیم. مثال می‌زنم؛ پارسال تهیه‌کننده‌ی عزیزی گفت «امسال هر فیلمی که جایزه‌ی مردمی را به خانه ببرد، در حق دیگران ظلم کرده. چون می‌دانم که اجحاف شده.» (نقل به مضمون). دست بر قضا همان تهیه‌کننده این جایزه را گرفت و در حالی که خودش مطمئن نبودند که جایزه متعلق به آن‌ها است یا نه، جایزه را به خانه برد. به نظرم فشنگ‌تر این بود که اگر درباره‌ی این جایزه تا آن حد برای آن عزیز شائبه وجود داشت، آن جایزه را به خانه نمی‌بردند؛ یعنی حداقل خودش آن حرف خودش را می‌ایستادند و به راحتی جوایز را بی‌ارزش نمی‌کردند؛ آن هم جایزه‌ی به این مهمی را. این یک نمونه بود که پارسال درباره‌ی جایزه‌ی مردمی اتفاق افتاد. من موارد زیادی را در این زمینه تجربه کرده‌ام. زمانی که آرای مردمی را باید



## از تنگه ابوقریب الگو نگرفتم

او ادامه داد: «من به این فکر نکردم که ساختن این فیلم نیاز به جسارت دارد یا نه؛ باید بگویم که من خودم را کارگردانی تکنیسین نمی‌دانم و صرفاً کاری را که دوست دارم را انجام می‌دهم و این فیلم را دوست داشتم.»

در ادامه میلاد اکبرنژاد درباره به تصویر کشیدن رشادت زنان در دفاع مقدس عنوان کرد: «در دوران جنگ نقش زنان به قدری پررنگ است که بسیاری از وقت‌ها درام و ادبیات در ترسیم چهره آن‌ها کم می‌آورند.»

ابراهیم امینی نویسنده «دسته دختران» در ادامه این بحث گفت: «ما در این اثر با فیلمی طرف هستیم که پر از فراز و نشیب است و سعی کردیم همه واقعیت را نشان دهیم. کاراکترها به این باور رسیدند که می‌توانند جان افراد را نجات دهند و شکست را به تصویر نمی‌کشند.»

قیدی درباره به تصویر کشیدن سقوط خرمشهر و فراری شدن شخصیت‌های فیلم به جای نجات شهر عنوان کرد: «ما درباره یک حقیقت فیلم ساختیم و متأسفانه همه ما می‌دانیم که خرمشهر سقوط می‌کند اما این فیلم نه درباره سقوط خرمشهر که درباره عشق و امید به آینده بود.»

این کارگردان در ادامه درباره پایان بندی بهتر برای «دسته دختران» گفت: «شاید اگر شما فیلم را کارگردانی می‌کردید پایان بندی بهتری برایش رقم می‌خورد؛ من فکر نمی‌کنم که با ساخت این اثر به دور تکرار رسیده باشم.»

امینی نویسنده فیلم درباره چالش‌های این فیلم تصریح کرد: «هر کاراکتری در درام باید دچار چالش‌هایی شود که این چالش‌ها و معضلات از دل خانواده‌های آنان برمی‌آید و سعی کردیم چالش‌ها را به تصویر بکشیم.»

قیدی درباره پردازش شخصیت‌های فیلم بیان کرد: «فیلم ما کاراکتر محور نبود. وقتی درباره ۵ شخصیت صحبت می‌شود که هرکدام برای خودشان شخصیتی اصلی هستند هر کدام زمان مخصوص به خود را نیاز دارند و من فکر می‌کنم به اندازه زمان فیلم به سرنوشت همه آثار پرداختیم.»

در ادامه حسینی درباره بازی کردن در فیلم دفاع مقدسی ایرانی با وجود اصالت افغانستانی، گفت: «من بین افغانستان و ایران تفاوتی به لحاظ حسی قائل نیستم و باید بگویم که من ایران را بسیار دوست دارم. فکر می‌کنم همه می‌توانند درک کنند که وقتی جایی بزرگ می‌شوی متعلق به همان‌جا خواهی بود.»

نشست رسانه‌ای فیلم سینمایی «دسته دختران» با حضور عوامل فیلم از جمله منیر قیدی (کارگردان)، محمدرضا منصوری (تهیه کننده)، سامان لطفیان (فیلمبردار)، ابراهیم امینی و میلاد اکبرنژاد (نویسندگان)، عباس عباسی (طراح گریم)، مهدی ابراهیم‌زاده (صدابردار)، صدف عسگری، مهدی حسینی نیا، فرشته حسینی، نیکی کریمی و حسین سلیمانی (بازیگران) برگزار شد.

فرشته حسینی بازیگر فیلم در ابتدای صحبت‌های خود درباره فیلم «دسته دختران»، گفت: «در این فیلم همه تلاش ما ترسیم چهره زشت جنگ بود و امیدوارم موفق عمل کرده باشیم.»

محمدرضا منصوری تهیه کننده فیلم نیز درباره «دسته دختران» اظهار کرد: «ان‌شاءالله به هنگام قضاوت آثار عدالت رعایت شود و فیلم ما نیز به حق خود برسد.»

قیدی کارگردان «دسته دختران» درباره اقتباس از فیلم یا کتاب عنوان کرد: «هیچ شخصیتی به‌طور مستقیم از کتاب یا ماجرا یا حقیقتی شکل نگرفته بود اما شخصیت‌ها برآوردی از مطالعات من هستند. همه کاراکترها ساختگی‌اند و باید بگویم که من تنها فیلم‌هایی را می‌سازم که به موضوع آن اشراف و احاطه داشته باشم.»

او ادامه داد: «ما فیلم‌های بسیاری داریم که در سینمای دفاع مقدس الگو می‌شوند اما سعی می‌کنم سینمای خود را داشته باشم و اگر قرار باشد الگویی داشته باشم، آن الگو بی‌شک فیلم «تنگه ابوقریب» نیست.»

همچنین، فرشته حسینی بازیگر «دسته دختران» درباره اینکه تا چه میزان با زنان در جنگ کشور افغانستان در این فیلم هم‌زاد پنداری کرده است، گفت: «من کاراکتر آرامی دارم و این شخصیت بسیار از من دور بود اما با تصاویری که از جنگ در کشورم می‌بینم، احساس هم‌زادپنداری با نقش می‌کردم و از ته دل کار می‌کردم.»

قیدی درباره همکاری با تیمش در این فیلم با ژانر دفاع مقدس اظهار کرد: «من مدت زمانی طولانی کار دستیار کارگردانی انجام می‌دادم و تجربه کار جنگی را در قامت منشی صحنه داشتم و چون در دوران میان‌سال‌ام هستم تجربیات بصری بسیاری هم داشتم. البته نباید از نقش سامان لطفیان نیز غافل بمانم.»





گفت و گو با برنده سه سیمرغ بهترین طراحی صحنه و لباس از جشنواره فجر

## روایت مجید میرفخرایی از دلهره برای دریافت سیمرغ



ویژه چهارمین جشنواره فیلم فجر

فجر چاک



**مندان عادی سینما معلوم نشده باشد. رشد این هنر را در سینمای ایران در چه وضعیتی می دانید**

در حال حاضر بر اثر نیاز نه تنها در فیلمهای تاریخی و زمان دار بلکه در فیلمهای زمان حال برای فضا سازی طراح صحنه و لباس و مدیر هنری احتیاج است. خوشبختانه بسیاری از کارگردانها با طراحان فیلم ارتباط مناسبی برقرار میکنند و برخی دیگر هنوز در این ارتباط دچار مشکل هستند. زیرا هنوز فیلم را مال خود میدانند و از خرد جمعی گریزان هستند و این نوع نگاه در کارشان اثر منفی میگذارد. به امید آنکه روزی برسد که به حرفه طراحی که بر اثر نیاز بوجود آمده تمامی کارگردانها و تهیه کنندگان احترام بگذارند و متخصصین این رشته را برای کار دعوت کنند تا شاهد فیلمهایی با فضا سازی درست باشیم و طراحان هم با مطالعه تاریخ و زیبایی شناسی سعی کنند با زمان پیش بروند.

**تا به حال شده به گذشته فکر کنید و با خود بگویید اگر به عقب برگردم درباره یک اثر طور دیگری عمل خواهم کرد؟**

من از دهه پنجاه کار طراحی را در هنر های نمایشی شروع کردم و همزمان با تحصیلات در این رشته در تئاتر و سینما مشغول به کار بودم. نه تنها پشیمان نیستم بلکه خوشحالم که توانستم در اثری که طراح صحنه و لباس ویا مدیر هنری بودم تاثیر گذار باشم. امیدوارم دانشگاه ها تکنولوژی روز طراحی صحنه و لباس را آموزش دهند و با زمان پیش بروند.

**اگر از حضور در جشنواره فجر از نامزدی تا دریافت جایزه تا حضور در هیات داوران خاطره ای دارید برایمان تعریف کنید.**

شب اختتامیه جشنواره شب خاطره انگیزی برای نامزدها است و همگی التهاب خاصی دارند و من همیشه نگران هستم که برنده شوم و نتوانم خود را به صحنه برسانم زیرا هنگام ورود به سالن جمعیت هجوم آورده و صندلی ها را اشغال میکنند یکبار برای من این اتفاق افتاد و هنگامیکه مجری مرا برای گرفتن جایزه به روی صحنه دعوت کرد انقدر دور بودم که بسختی موفق شدم به روی صحنه بروم و جایزه ام را دریافت کنم. امیدوارم جشنواره چهلهم هر چه بهتر برگزار شود و در سینما وفاق و همدلی و امید تزریق نماید.

مجید میرفخرایی از طراحان صحنه و لباسی است که تجربه کار با کارگردانهای بزرگی چون داود میرباقری در سریال امام علی ع، مسعود جعفری جوزانی در سریال در چشم باد و نیز فیلم هایی چون حماسه مجنون، روز واقعه و رستاخیز را داشته است. سه سیمرغ بهترین طراحی صحنه و لباس نیز رهاورد حضور او در جشنواره فیلم فجر بوده است. با او درباره رشته تخصصی اش در سینما و حضور در رویداد فجر گفت و گو کرده ایم.

**شما چندین بار از جشنواره فیلم فجر سیمرغ بهترین طراحی صحنه را دریافت کرده اید و بارها نامزد دریافت جایزه طراحی صحنه و لباس بوده اید. دریافت جایزه و رقابت هنری را چه اندازه در ایجاد انگیزه و روحیه برای ادامه کار سینماگران موثر می دانید ؟**

من سه بار از جشنواره فجر سیمرغ بلورین بهترین طراحی صحنه و لباس را برای فیلمهای آخرین پرواز، روز واقعه و رستاخیز دریافت کردم و سه بار هم نامزد شدم معتقدم رقابت سالم در جشنواره ها همیشه برای پیشرفت کار مفیدی است و باعث آشنایی سینما گران از آثار یکدیگر میشود ما در جشنواره فجر با نظرات تماشاگران و منتقدین در یک جمع صمیمی و دوستان آگاه می شویم که حتما در کارهای آتی تاثیر گذار خواهد بود.

**جشنواره فجر تا چند سال ابتدایی جایزه ای برای طراحی صحنه و لباس نداشت. جدی گرفتن این رشته در سینمای ایران ظاهرا از اواخر دهه شصت شکل گرفت. چه عواملی را در اینباره موثر می دانید**

طراحی صحنه و لباس از ارکان اصلی ساخت یک فیلم است و طراحان پیشقراولان ساخت یک اثر سینمایی هستند. سالها طول کشید تا به همت پیشکسوتان متخصص این رشته عنوان طراحی صحنه و لباس و سپس مدیر هنری در سینمای ما جایگاه خود را پیدا کند در حالیکه در تمامی کشورهای صاحب این هنر از ابتدا این تخصص مطرح بوده و جایگاه خاصی داشته است.

**نقش کارگردان در جدی گرفتن طراحی صحنه و لباس خیلی زیاد است. کارگردانها چقدر در فهم این مسئله به طراحان کمک می کنند؟ خیلی ها فکر می کنند طراحی صحنه و لباس مختص آثار تاریخی است و شاید هنوز اهمیت آن برای علاقه**





گفت‌وگو با حامد جعفری داور بخش فیلم کوتاه

## جشنواره فجر نیاز دارد درک خود را از اهمیت انیمیشن بالا ببرد

### بی توجهی به انیمیشن تاثیر منفی بر یک گروه دارد

تهیه‌کننده‌ی انیمیشن سینمایی «فیلشاه» با بیان اینکه ساخت انیمیشن با بقیه‌ی گونه‌های سینمایی تفاوت‌های جدی دارد، می‌افزاید «این ناشی از کمپانی‌محور بودن تولید انیمیشن است. همان‌طور که آثار تلویزیونی را اصطلاحاً کارهای تهیه‌کننده‌محور، و کارهای سینمای رئال را کارهای کارگردان‌محور می‌دانند، انیمیشن‌های سینمایی نیز آثاری کمپانی‌محورند. نه اینکه این آثار تهیه‌کننده و کارگردان ندارند یا تهیه‌کننده و کارگردان در آنها مؤثر نیستند؛ یعنی نقشی که کارگردان در یک فیلم سینمایی رئال دارد، در انیمیشن سینمایی ندارد. لذا وقتی به ذهن خودمان هم مراجعه می‌کنیم در سینمای رئال آثار نولان یا اسکورسیزی را شاخص می‌یابیم، ولی وقتی به سینمای انیمیشن می‌رسیم، آثار پیکسار و دیزنی برایمان تداعی می‌شود. این دقیقاً تمایز اصلی انیمیشن با سایر گونه‌های سینمایی است. پس وقتی می‌خواهیم برای ارتقای انیمیشن چاره‌اندیشی کنیم، باید توجه داشته باشیم که انیمیشن یک کار کمپانی‌محور است و محصول تألیف یک جمع منسجم و یکپارچه.

همچنین باید دقت کنیم که توجه نکردن به انیمیشن در سینما، علاوه بر عواقب معمول، جمع زیادی را نیز متأثر و سرخورده خواهد کرد. مثلاً اگر جشنواره‌ی فیلم فجر به اشتباه به یک بازیگر علی‌رغم استحقاقش بی‌توجهی کند، مشکل عمیقی رخ نخواهد داد، چون در نهایت به جای آن شخص، به بازیگر دیگری توجه شده است و این طور نیست که به صنف بازیگران بی‌توجهی شده باشد. درست است که اشتباه در تصمیم به جشنواره صدمه می‌زند، اما بازیگران را درباره‌ی تلاش برای حضور در جشنواره‌ی فیلم فجر ناامید و سرخورده نخواهد کرد. اما اگر به انیمیشن سینمایی بی‌توجهی

### گفت‌وگو

### مینا فرقانی

حامد جعفری درباره‌ی اینکه جایزه‌ی ویژه‌ی انیمیشن، از سال‌ها پیش در فستیوال‌ها و جشنواره‌های مهم دنیا وجود دارد، می‌گوید «در دنیا به این گونه‌ی مهم سینمایی، توجه ویژه‌ای می‌شود، اما متأسفانه به دلیل تغییرات مدیریتی در جشنواره در سال‌های مختلف و طبیعتاً تغییر رویکرد جشنواره، ما با یک سیاست مشخص و متقن در قبال سینمای انیمیشن مواجه نبوده‌ایم.

مثلاً یک سال جشنواره‌ی فیلم فجر، انیمیشن سینمایی «شاهزاده‌ی روم» را به پیشنهاد هیأت انتخاب خارج از مسابقه قرار می‌دهد، ولی با دادن جایزه‌ی ویژه‌ی جشنواره به این اثر، توجه ویژه‌ای به انیمیشن سینمایی می‌کند؛ یکی دو سال بعد، وقتی انیمیشن سینمایی «فیلشاه» به عنوان یک اثر شاخص، متقاضی حضور در جشنواره‌ی فجر می‌شود، هیأت انتخاب، فیلشاه را در بخش مسابقه‌ی سودای سیمرغ قرار می‌دهد، ولی نهایتاً هیأت داوران این اثر را داوری نمی‌کند. یعنی در جشنواره‌ی فیلم فجر در قبال یک موضوع، تا این حد تفاوت در تصمیم‌گیری وجود دارد. لذا به نظر من تا زمانی که فهم جشنواره در خصوص حوزه‌ی انیمیشن به تکامل لازم نرسیده و سیاست جشنواره در قبال این گونه‌ی سینمایی تثبیت نشده، وجود بخش انیمیشن برای جشنواره نه مشکلی را حل می‌کند و نه کمکی به آن خواهد کرد.»

شود، به محصول تلاش یک جمع یکپارچه با عنوان یک کمپانی بی‌توجهی شده است.

### تأثیر منفی که فجر بر انیمیشن گذاشت

لذا برای ارتقا و کمک به سینمای انیمیشن، نباید از ظرفیت مهم جشنواره‌ی فیلم فجر غافل شد. خاطرم هست سال ۹۳ وقتی جشنواره با اهدای دو جایزه ویژه (به تهیه‌کننده و کارگردان)، به انیمیشن سینمایی «شاهزاده‌ی روم» توجه ویژه‌ای به سینمای انیمیشن می‌کند، می‌بینیم در سال بعد، ۷-۸ انیمیشن در جشنواره ثبت‌نام می‌کنند و متقاضی حضور در جشنواره می‌شوند. ولی وقتی جشنواره در سال‌های بعد به این حوزه بی‌مهری می‌کند و مثلاً آن رفتار عجیب داوران نکرده‌ی فیلم حاضر در بخش مسابقه را (که برخلاف همه‌ی روبه‌ها و قوانین حاضر در بخش مسابقه است) در قبال انیمیشن سینمایی فیلیشاه انجام می‌دهد، می‌بینیم که طی چند سال اخیر با اینکه تولیدات شاخصی هم در سینمای انیمیشن کشور داشته‌ایم، تهیه‌کنندگان رغبت نکرده‌اند اثرشان را به جشنواره بدهند. این نشان می‌دهد رویکرد جشنواره می‌تواند باعث رونق تولیدات سینمای انیمیشن شود یا انیمیشن‌سازان را دلسرد کند. جعفری معتقد است «در قدم نخست باید با بررسی عملکرد سایر جشنواره‌های بین‌المللی در این زمینه به فهم درست و مشترک از نحوه‌ی مواجهه با سینمای انیمیشن برسیم. مثلاً در اسکار، فیلم‌های انیمیشن سینمایی علاوه بر اینکه با سایر آثار سینمایی رتال در زمینه‌های مختلف (مانند فیلمنامه، تدوین، موسیقی و...) رقابت می‌کنند، یک جایزه‌ی ویژه هم با عنوان «بهترین انیمیشن» برایشان در نظر گرفته شده. یعنی هم اجازه داده‌اند عملکرد عوامل حرفه‌ای سینما که در بخش‌های مختلف یک انیمیشن سینمایی کار کرده‌اند، نقد و ارزیابی شود و هم توجه ویژه‌ای شده که این اثر از لحاظ ساخت با سایر آثار رتال تفاوت‌های مهمی دارد. در قدم‌های بعدی با تدوین آیین‌نامه‌ها و مقررات مشخص، جشنواره را برای فعالان حوزه‌ی انیمیشن کشور پیش‌بینی‌پذیر کنیم. تثبیت دبیر جشنواره برای یک دوره‌ی پنج‌ساله یا تشکیل یک شورای راهبری حداقل پنج‌ساله برای جشنواره، حتماً در ریل‌گذاری صحیح این حوزه تأثیر بسزایی خواهد داشت.»

### اهمیت فیلم کوتاه را نمی‌توان نادیده گرفت

حامد جعفری با بیان اینکه در دنیا دو رویکرد در قبال فیلم کوتاه وجود دارد، توضیح می‌دهد «گروهی فیلم

کوتاه را بستری برای شناخت ظرفیت‌های جدید برای سینمای بلند می‌دانند و یک نگاه مشق‌گونه به فیلم کوتاه دارند. آنها فیلم کوتاه را مسیری برای فیلمسازان می‌دانند که با تمرین در آن (انجام تمرین و سعی و خطا با هزینه‌ی کمتر) زمینه را برای جلب اعتماد تهیه‌کنندگان و در نهایت حضور در یک فیلم بلند، برایشان مساعد خواهد کرد.

در رویکرد دیگر، هرگاه فیلمساز ایده‌ی جدید و حرفی برای گفتن داشته باشد، از ابزارهایی که در اختیار دارد استفاده می‌کند. گاهی یک ایده، فکر یا حرف در قالب یک فیلم کوتاه قابل‌بیان است و گاهی در قالب یک فیلم بلند. این دو ابزاری در اختیار تهیه‌کنندگان، کارگردانان و سایر عوامل سینما هستند تا فکر، ایده و حرفشان را به جامعه منتقل کنند. در هر صورت سینمای کوتاه برای هنر و صنعت سینما بسیار مهم و اثرگذار است. چه سینمای کوتاه را بستری بدانیم که نسل جدیدی از تهیه‌کنندگان، کارگردانان و دست‌اندرکاران دیگر را برای سینمای بلند تربیت می‌کند و ظرفیت‌های جدیدی را به سینما می‌افزاید، و چه آن را قالبی به حساب آوریم که فیلمسازان، حرف‌ها، ایده‌ها و نگاه‌های جدیدشان را به این شکل بیان می‌کنند؛ به هر حال باید به آن توجه ویژه‌ای داشته باشیم.»

وی درباره‌ی اهمیت بخش فیلم کوتاه که خود داوری این بخش را بر عهده دارد، می‌گوید «وجود بخش ویژه برای سینمای کوتاه یک رویکرد صحیح در جشنواره است و کمک خواهد کرد تا هم ایده‌ها، حرف‌ها و فکرهای نو دیده شود و هم نسل جدیدی که توانمندی‌هایشان را در این آثار به نمایش گذاشته‌اند به سینمای کشور معرفی شوند. از این منظر کار هیأت انتخاب و داوری این بخش بسیار دشوار است. چرا که باید هم به ظرافت ایده‌ها، حرف‌ها و فکرها توجه کند و هم به توان فنی عوامل فیلم کوتاه؛ تا این فرصت مهم هدر نرود.»

### سلیق، افکار مختلف در جشنواره فجر

جعفری با بیان اینکه چهل‌سالگی سن تکامل و تعالی تلقی می‌شود و از این نظر چهل‌سالگی جشنواره‌ی فیلم فجر برای فعالان هنر و صنعت سینما بسیار مهم است، می‌افزاید «به نظر من جشنواره‌ی فیلم فجر با همه‌ی حواشی و مشکلاتی که در طول سال‌ها با آن دست و پنجه نرم کرده، امروز در وضعیت قابل‌قبولی قرار دارد. شاید اگر بخواهیم منتقدانه به ایده‌ال‌هایمان از جشنواره





فکر کنیم، به نظرم آن برسد که فاصله‌ی جشنواره‌ی تراز مدنظرمان با جشنواره‌ی فعلی در برخی موارد کم نیست. اما وقتی به راهی که طی شده می‌نگریم، درمی‌یابیم که امروز جشنواره‌ی فیلم فجر، وضعیت قابل‌قبولی دارد. به نظرم هر کسی با هر رویکردی که داشته باشد، اذعان می‌کند که جشنواره در چهلمین سال برگزاری‌اش توانسته به محفلی برای دور هم جمع کردن سینماگران با سلیقه، افکار و رویکردهای گوناگون تبدیل شود. در حقیقت امروز جشنواره واقعاً بهار سینمای ایران است.»

این تهیه‌کننده‌ی شاخص سینمای انیمیشن در ادامه می‌گوید «بیشتر حواشی و نکاتی که پیرامون جشنواره‌ی فجر رخ می‌دهد و در رسانه‌ها منتشر می‌شود، به دلیل اهمیت این جشنواره و رویداد سینمایی برای سینماگران کشور است. اگر این رویداد به اهمیت زیادی دست نیافته بود، حضور یا غیبت در آن و نیز اتفاقات و رخداد‌های مرتبط با آن تا این حد بازتاب و انعکاس نداشت. از سوی دیگر استقبال مردم از اکران‌های جشنواره نشان می‌دهد که این رویداد توانسته علاوه بر همراه کردن نخبگان جامعه، سینماگران و هنرمندان، عموم جامعه را نیز با خود همراه کند. علاوه بر این‌ها رشدی که جشنواره از نظر

۹۹

**چون جشنواره اهمیت زیادی بین فیلمسازان دارد و همه تلاش می‌کنند تا در ویتترین اصلی سینمایی کشور حضور داشته باشند، رفتارها و تصمیمات جشنواره بر خیلی از فیلمسازان تأثیر مستقیم می‌گذارد**

۶۶

کیفیت آثار و کیفیت برگزاری در طول این سال‌ها یافته و همه‌ی اقدامات دیگری که برای اعتلای جشنواره انجام شده، این نوید را می‌دهد که جشنواره‌ی فیلم فجر در چهل‌سالگی خود در وضعیت قابل‌قبولی قرار دارد.»

جعفری درباره‌ی اهمیت و ظرفیت جشنواره‌ی فیلم فجر معتقد است «جشنواره دست‌آوردهای یک سال سینمای کشور را در کنار هم جمع می‌کند. پس حتماً از نظر سینماگران و مخاطبان مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور است. در نهایت معمولاً رویکردها و ثبات‌قدم در یک جشنواره موجب اهمیت آن خواهد شد. جشنواره‌ی فجر هم از این نظر که سال‌هاست آثار سینمایی را برای اولین بار تجمیع و به مخاطب عرضه می‌کند، برای مردم جذاب است. البته در دوره‌هایی ضعف‌های اقتصادی و مالی از شعف مردم برای پیگیری و دیدن فیلم‌ها کاسته است، ولی تا امروز مردم همواره جشنواره را با استقبال گرم پیگیری کرده‌اند. به نظرم استقبال مردم و نظر آنها برای فیلمسازان یک بخش ماجراست. جنبه‌ی دیگری که جشنواره را برای فیلمسازان مهم می‌کند، حضور منتقدان و بیان کاستی‌های فیلم‌ها و به نوعی هدیه کردن نقاط قوت و ضعف فیلم‌ها قبل از اکران عمومی آن، به فیلمسازان است. مثلاً وقتی فیلم‌ساز در جشنواره‌ی فیلم فجر پخش شد و کارشناسان، منتقدان و رسانه‌ها آن را نقد و بررسی کردند، لیستی از نقص‌هایی که به نظرم مهم بود استخراج کردیم و در فاصله‌ی اندکی که بعد از جشنواره تا اکران عمومی فیلم داشتیم، برخی از آنها را رفع کردیم. این ظرفیت مهم شاید به این کیفیت در هیچ جشنواره‌ی دیگری در اختیار فیلمسازان نباشد. لذا این رویداد برای فیلمسازان، مردم، منتقدان و رسانه‌ها مهم و اثرگذار است.»

جعفری معتقد است «جشنواره‌ها عموماً محل ارزیابی تخصصی آثار از دو منظر فرم و محتوا هستند. اما در نهایت تمام تکنیک و دقت در به‌کارگیری فرم و محتوا، برای تأثیرگذاری بیشتر و جذب مخاطب به سمت موضوعی است که مدنظر عوامل اصلی یک فیلم بوده است. البته در صورتی که نگاه ما به سینما، مثل نگاهمان به دانشگاه باشد. لذا من چون این نگاه را دارم به نظرم این فصل مشترک دقیقاً جایی است که جشنواره باید از آن پاسداری کند.»

#### تأثیر فجر روی نسل‌های مختلف

جعفری درباره‌ی نحوه‌ی اثرگذاری فیلمسازان و جشنواره‌ی فجر بر هم می‌گوید «چون جشنواره اهمیت زیادی بین فیلمسازان دارد و همه تلاش می‌کنند تا در ویتترین اصلی سینمایی کشور حضور داشته باشند، رفتارها و تصمیمات جشنواره (خصوصاً تصمیمات هیأت داوران در تخصیص جوایز و سیم‌رغ‌ها) بر خیلی از فیلمسازان تأثیر مستقیم می‌گذارد.

خصوصاً جوان‌ترهایی که قصد ورود به سینما را دارند و به نوعی نسل جدید سینما محسوب می‌شوند از جشنواره تأثیر زیادی خواهند گرفت. یعنی وقتی جشنواره‌ی فیلم فجر به گروهی از شاخص‌ها توجه کند، یا به یک ژانر یا گونه‌ی بهای بیشتری دهد یا برخی از ویژگی‌ها و دقتی را که در آثار به کار رفته، ببیند یا نادیده بگیرد و... همه‌ی این‌ها بر فیلمسازان نسل بعدی تأثیر می‌گذارد. شاید بتوان گفت عملکرد جشنواره‌ی فجر در تربیت و نگرش تهیه‌کنندگان، کارگردانان، نویسندگان و سایر عوامل سینما در نسل‌های بعد تأثیر مستقیم، جدی و عمیقی دارد و در واقع بد و خوب سینما را به نوعی





جشنواره به فیلمسازان جدیدتر یاد می‌دهد و تکلیف می‌کند.»

حامد جعفری با اشاره به اینکه فیلمسازان جوان امیدهای آینده سینمای کشور هستند و هر فیلمی که می‌سازند، یک گام رو به جلو در تکمیل چرخه‌ی کسب تجربه و ارتقای فیلمسازی آن‌هاست، می‌گوید «تمام همت جشنواره‌ی فیلم فجر باید معطوف به این مهم باشد که ظرفیت و توانمندی پیشکسوتان را در سینما تعمیق و به مخاطب عرضه کند و نیز با برقراری پل‌های ارتباطی بین‌نسلی و همچنین با نقد صحیح و کارشناسی و دست‌گیری از فیلمسازان جوان (به جای مچ‌گیری) به تکمیل چرخه‌ی کسب تجربه و افزایش کیفیت آثار سینمایی کمک کند. به نحوی که نسل به نسل، شاهد افزایش کیفیت آثار سینمایی در کشور باشیم و در نتیجه هم در انتقال بهتر مفاهیم به مخاطب مؤثرتر عمل کنیم و هم مخاطب را هر چه بهتر و بیشتر با خود همراه سازیم.»

**جشنواره می‌تواند به یک رویکرد ضریب بدهد**

جعفری معتقد است اگر همه‌ی عوامل و دست اندرکاران سینما، دست به دست هم دهند، حتماً جشنواره می‌تواند نقشی اثرگذار برای کمک به تنوع ژانر در سینما داشته باشد و تصریح می‌کند «البته اینکه

فکر کنیم جشنواره می‌تواند به تنهایی مشکل تنوع ژانر در سینما را برطرف کند، اشتباه است. جشنواره باید هم در آیین‌نامه‌ها و مقررات و هم در هیأت انتخاب و داور، تلاش کند تا گونه‌های مغفول و ژانرهایی را که کمتر در آنها فیلم ساخته شده حمایت کند. اما اگر در یک گونه هیچ فیلمی ساخته نشود، چون جشنواره نهاد فیلم‌سازی نیست، نمی‌تواند در خصوص آن ژانر و گونه کمکی کند. برای فهم بهتر مثالی می‌زنم. اگر فرض کنیم که مشکل سینمای ما ساخته نشدن یا کم ساخته شدن فیلم‌های انیمیشن باشد، کمک جشنواره به تنوع گونه‌ها و ژانر این خواهد بود که اگر یک کار انیمیشن متقاضی حضور در جشنواره است، اما نقاط ضعفی هم دارد، به نحوی آن کار را در ویتترین خود قرار دهد و به آن توجه ویژه‌ای کند. در این صورت فیلمسازان و نسل‌های جوان‌تر که نگاهشان به جشنواره و جهت‌گیری‌های آن است، احساس می‌کنند که اگر در آن ژانر و گونه فیلم بسازند، در جشنواره احتمال موفقیت بیشتری خواهند داشت. اما اگر هیچ فیلم انیمیشنی ساخته نشود، جشنواره فرصت حمایت و کمک به تنوع ژانر را از دست خواهد داد. پس در کل جشنواره حتماً می‌تواند در کنار سایر نهادها، مؤسسات و سازمان‌های مسئول، نقشی اثرگذار در تنوع ژانر و گونه‌های سینمایی ایفا کند. در واقع جشنواره می‌تواند به یک رویکرد ضریب بدهد.»

جعفری با اشاره به اینکه همه‌ی فیلم‌ها در نهایت برای مخاطب عمومی ساخته می‌شود و همه‌ی فیلمسازان دوست دارند آثارشان مورد استقبال مخاطب عام قرار گیرد، می‌افزاید «به نظرم هیچ موفقیتی لذت‌بخش‌تر از توجه مردم و استقبال مخاطبان اصلی فیلم‌هایمان نیست. پس طبیعی است که وقتی پای نظر مخاطب عام و مردم در میان باشد، با حساسیت بیشتری موضوع را پیگیری کنیم. یعنی با وجود احترامی که برای هیأت



داوران ادوار مختلف جشنواره قائل هستیم و باید باشیم، اما نظر هیأت داوران در نهایت منتج از یک سلیقه‌ی مشخص است، به نوعی که بارها این جمله را شنیده‌ایم که اگر یک مجموعه از آثار را دو گروه داورى کنند، حتماً نتیجه‌ها متفاوت خواهد بود. اما در مورد نظر مردم این طور نیست. یعنی مردم یا از فیلمی خوششان خواهد آمد یا خوششان نخواهد آمد.

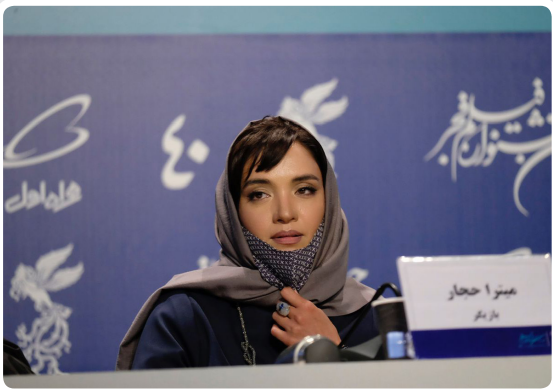
**اهمیت سیمرغ مردمی زیاد است**

پس شاید بتوان گفت اهمیت سیمرغ بخش آرای مردمی بیش از سایر سیمرغ‌هاست. همین امر هم سبب حساسیت‌ها، واکنش‌ها و حواشی بسیاری است که هر ساله در جشنواره‌ی فجر شاهدش هستیم. امیدوارم در جشنواره‌ی چهل و بعد از سال‌ها تجربه، امسال جشنواره روشی را اتخاذ کند که حداقل برخی از حواشی مربوط به نحوه‌ی محاسبه امتیازات و شمارش آرا پیش نیاید.»

حامد جعفری درباره‌ی زمینه‌ها و میزان پیشرفت سینمای ایران می‌گوید «فکر می‌کنم همچنان درگیر قصه‌ی پرغصه‌ی فرم و محتوا هستیم. این قدر به این موضوع پرداخته شده که تبدیل به کلیشه شده. در فرم و استفاده‌ی صحیح از تکنیک‌های مختلف فنی در ساخت آثار سینمایی خیلی پیشرفت داشته‌ایم، اما متأسفانه هنوز در محتوا با وضع مطلوب فاصله داریم. چرا گفتم متأسفانه؟ چون گنجینه‌ی بزرگی از قصه‌های مختلف در فرهنگ عامه و نیز در منابع اساطیری و ادبی (مثل گلستان و بوستان سعدی، شاهنامه) و... در اختیارمان است، اما آن طور که باید از این منابع بهره نمی‌بریم. گاهی برخی کشورها افسانه‌های تخیلی خلق می‌کنند تا فرهنگ خودشان را به مخاطب عرضه کنند. اما ما این همه منابع قصه و داستان داریم که می‌تواند تحول‌آفرین باشد و قدر این گنجینه‌ها را نمی‌دانیم. مطمئنم اگر این گنجینه در اختیار سینمای هالیوود قرار داشت، هزاران اثر با استفاده از آن و پیرامون آن ساخته می‌شد.»



# گزارش تصویری



ویژه جشنواره فیلم فجر

فجر

۱۶





# روز پنجم جشنواره

ویژه چهارمین جشنواره فیلم فجر

فایل

۱۴





حضور دبیر فجر در خانه جشنواره

# مسعود نقاشزاده از انتخاب فیلم‌های جشنواره چهلم دفاع کرد

صحنه عضو هیات داوران باشد، سهم آنها را رعایت کردیم، درست نیست.»

دبیر جشنواره فیلم فجر افزود: «فکر می‌کنم باید مقداری این مسائل را از اینکه آیا نگاه واقعی به حضور زنان در هنر و رسانه وجود دارد یا خیر، تفکیک کنیم. ممکن است ما یک عضو خانم هم در هیات داوران داشته باشیم، اما آن توجهی که لازم باشد به کار خانم‌ها بشود، صورت نگیرد. فکر می‌کنم خوشبختانه در ترکیب هیات داوران اینقدر نگاه‌های حرفه‌ای، جدی و ملی وجود دارد که خود آقایان، خانم‌ها را نمایندگی می‌کنند و چه بسا مقداری قوی‌تر از خانم‌ها، آنها را نمایندگی کنند.»

مسعود نقاشزاده در پاسخ به انتقادهای از انتخاب برخی از آثار این دوره از جشنواره توضیح داد: «تا این اندازه که من در گفت‌وگو با هیات انتخاب در جریان جزییات قرار گرفتم، برایشان بسیار مهم بود که تنوع ژانر و گونه‌های مختلف در فیلم‌های جشنواره حضور داشته باشد. طبیعی است که همه این فیلم‌ها از لحاظ کیفی یکسان نباشند.»

او در پایان گفت: «طبیعی است که در برخی از ژانرها ما به اندازه کافی مهارت و توانایی پیدا نکرده باشیم. چون در طی این سال‌ها فیلم ارزشی و اکشن کم ساختیم اما در مجموع هیات انتخاب با توجه به همه فیلم‌هایی که دیدند و انتخاب کردند، فکر می‌کنم انتخابشان قابل دفاع است و از لحاظ تنوع ژانر در سینمای ایران می‌شود به آنها اعتماد کرد.»

مسعود نقاشزاده دبیر چهلمین جشنواره فیلم فجر که پیش از این به علت بیماری کرونا قرنطینه بود، در پنجمین روز جشنواره با حضور در برج میلاد از روند برگزاری این رویداد سینمایی بازدید و درباره برخی از حواشی آن به بیان نکاتی پرداخت.

نقاشزاده درباره علت نبود خانم‌ها در هیات داورى آثار این دوره توضیح داد: «در هیات انتخاب آثار این دوره خانم‌هایی داشتیم. در مورد انتخاب هیات داوران نیز باید بگویم گاهی اوقات ترکیب و کسانی که ما با آنها گفت‌وگو می‌کنیم، ممکن است همه آن چیزی که میل داریم رخ ندهد. وگرنه خانم‌ها یکی از ارکان جدی جامعه هنری ما هستند. همین الان فیلم «دسته دختران» به کارگردانی خانم قیدی را دیدیم که نشان می‌دهد خانم‌ها در جامعه هنری ما تا چه اندازه توانا هستند.»

او افزود: «توانایی خانم‌ها را نه فقط در جامعه هنری بلکه رشادتهای آنها در زمان‌های مختلفی شاهد بوده‌ایم.»

نقاشزاده در پاسخ به این پرسش که چرا این اتفاق به صورت عملی در انتخاب هیات داوران رخ نداده است، گفت: «یکی از فیلمسازان خانم خوب کشورمان در هیات انتخاب حضور داشت و این اتفاق می‌توانست در هیات داوران نیز اتفاق بیفتد. اینکه ما اینطور نگاه کنیم که اگر یک خانم در هیات داورى حضور داشته باشد، حتما سهم خانم‌ها را رعایت کردیم، یا اینکه فکر کنیم اگر یک طراح



گفت و گو با کارگردان فیلم «ماجان»:

## فیلم کوتاه

## پل رسیدن به

## فیلمسازی بلند نیست



### گفت و گو

### مصطفی پور کبابی

فیلمسازان بلند این جشنواره، از دل بخش کوتاه رشد کرده اند. به عنوان مثال امید شمس و آریین وزیر دفتری تا سال قبل فیلم کوتاه می ساختند و امسال اولین فیلم بلند خود را ساخته اند که جزو فیلم های نهایی اکران نیز شده است. خود آقای برزرگر به عنوان تهیه کننده سال ها فیلم کوتاه ساخته است و همه این ها نشان دهنده اهمیت این بخش است که در واقع آینده سینمای بلند ما را تضمین خواهد کرد.

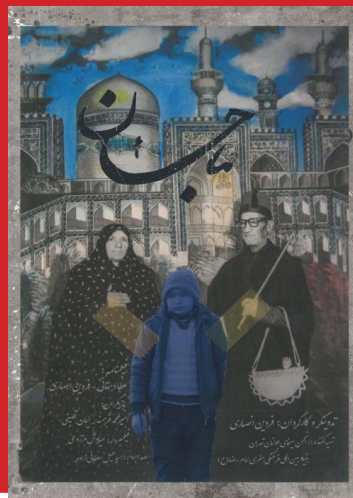
انصاری درباره تفاوت فیلم کوتاه و بلند نیز توضیح داد: این نکته را اضافه کنم که اصلا فیلم کوتاه پلی یا دری برای وارد شدن به سینمای بلند نیست. البته که من هم دوست دارم فیلم بلند بسازم و اکثریت غالب فیلمسازان کوتاه، نگاهشان به ساخت فیلم بلند بوده ولی هیچ وقت به شخصه فیلم کوتاه را ابزاری برای ساخت فیلم بلند نمی دانم. من در این ده سال فعالیت فیلم سازی، ده فیلم کوتاه ساخته ام که ۷ تای آنها حرفه ای بوده است و از خود پروسه فیلم سازی و خلق فیلم لذت می برم. اما یک زمانی ایده ای به ذهن من می رسد که مخصوص فیلم بلند است و دوست دارم زمان بیشتری برای تعریف قصه خود داشته باشم و آنگاه طبیعی است که تصمیم می گیرم تا یک فیلم بلند بسازم. و البته این هم انکارناپذیر است که عده ای علاقه دارند تا از مسیر فیلم کوتاه به سینمای بلند برسند. اما ذات این ماجرا این گونه نیست و فیلم کوتاه به نظر من اعتبار، جایگاه و کلاس خود را دارد.

فریدین انصاری افزود: اینکه جشنواره فیلم فجر باید به بخش فیلم های مستند و کوتاه خود اهمیت بیشتری دهد، نقد به شمار نمی رود. بلکه پیشنهاد ما به عنوان فیلمساز و یا اهالی رسانه این است که جشنواره فیلم فجر به مانند فستیوال های معتبر جهانی به این بخش ها اهمیت دهد. تاریخ سینما و هویت آن اصلا با فیلم کوتاه آغاز می شود و فکر می کنم اهمیت این بخش بر خیلی ها روشن باشد. همینکه در این جشنواره بسیاری از فیلم سازهای بلند ما از بخش فیلم کوتاه آمده اند، نشان می دهد که نسل آینده سینمای ما را همین فیلمسازان تشکیل می دهند. پس ساز و کار و حمایت از آنها را به نحوی قرار دهیم تا این استعدادها بیشتر دیده و کشف شوند و همین دیده شدن باعث می شود که تهیه کنندگان بر روی آنها سرمایه گذاری کنند چون قطعا حضور فیلم های کوتاه در این جشنواره می تواند مسیر روشنی برای همین دیده شدن باشد.

فریدین انصاری کارگردان فیلم «ماجان» که در بخش فیلم کوتاه چهلمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد، درباره ایده ساخت این فیلم و نحوه ساخت آن گفت: پروسه ساخت فیلم «ماجان» به لحاظ ایده و ساخت با فیلم های قبلی من متفاوت است؛ از این نظر که تولید این فیلم از طرف انجمن سینمای جوانان و بنیاد بین المللی امام رضا(ع) به من پیشنهاد شد. اما این پیشنهاد به این معنی نبود که قصه و داستانی به من داده شود بلکه قرار شد تا من برای آنها بر اساس یک سری موضوعات مشخص با چارچوب های دینی، فیلمی تهیه کنم و من با همکاری عطا دهقان یکی از همکارانم ایده و فیلمنامه «ماجان» را برای این کار نوشتیم و این فیلم درباره یک مسابقه دانش آموزی در یک روستای شمالی است که دانش آموزی به نام سجاد برای برنده شدن در این مسابقه باید یک انشای دروغین بنویسد. انصاری افزود: این فیلم نخستین بار در جشنواره بین المللی رضوی حضور داشته که جایزه ویژه دبیر جشنواره را گرفت و بعد منتخب جشنواره فیلم کوتاه تهران، منتخب جشن خانه سینما شد و در جشنواره داکای بنگلادش در بخش مسابقه شرکت کرده است.

کارگردان فیلم «فشن» در ادامه درباره سیاستهای حمایتی از فیلمسازان کوتاه و انتقادات راهگشا در این خصوص گفت: ما معمولا همیشه نوک پیکان انتقاداتمان به مدیریت جشنواره هاست ولی من این مشکل را دو طرفه می بینم و دوست دارم به عنوان یک فیلمساز، نقدی نیز به خودمان داشته باشم. من واقعا این را درک نمی کنم که چطور یک فیلمساز برای حضور در یک جشنواره حاضر است زمان نهایی فیلم خود را کاهش دهد. این خودش به نوعی خود سانسوری و تن دادن به سیستم جشنواره ای است.

وی ادامه داد: این فیلم ها و فیلمسازان هستند که به یک جشنواره اعتبار می دهند. از آن طرف جشنواره های بزرگ دنیا یک بخش اکران برای فیلم های کوتاه دارند که به همان اندازه بخش بلند، دارای اهمیت و اعتبار است، سیستماتیک جلو می رود و دیده می شود. اما متأسفانه در جشنواره فیلم فجر این اتفاق نمی افتد؛ در صورتی که بخش زیادی از







علی نصیریان در نشست بررسی فیلم گاو از آثار گنجینه سینما عنوان کرد

## مهرجویی اولین معلمی بود

# که به ما یاد داد جلوی دوربین چگونه بازی کنیم

گرفتن مقابل دوربین و بازی فیلم سینمایی آشنا کرد. من از ایشان سینما را یاد گرفتم. موضوع عمق میدان و حرکات دوربین و تکنیک‌های سینما آنجا برای ما روشن شد. اولین کارگردان و معلمی که به من یاد داد مقابل دوربین چه کنم، داریوش مهرجویی بود.»

این بازیگر سینما و تئاتر ادامه داد: «ما تله‌تئاتری را با همین قصه در تلویزیون بازی کرده بودیم و نقش‌هایمان تغییر نکرده بود اما آن چه که با عنوان فیلم سینمایی «گاو» ساخته شد، با تله‌تئاتر «گاو» متفاوت بود. هرچند شخصیت‌ها همان بود. هر کدامان که نقش‌های تئاترمان را در فیلم سینمایی «گاو» بازی کردیم.»

نبوی در ادامه گفت: «در این فیلم، ما یک روستای ساده را مشاهده می‌کنیم که به لحاظ امکانات، حتی دوچرخه هم ندارد. جهان معنای اهالی روستا هم همین سادگی را دارد. ما با این سادگی در بازی‌ها هم مواجه بودیم.»

نصیریان درباره تاثیر این فیلم در بازی بازیگران اظهار کرد: «در فیلم در قسمتی صحبت از بوی بد مردگان می‌شد. وقتی من متن این قسمت را خواندم، احساس بوی بد می‌کردم. این قصه تا این اندازه در ما تاثیر گذاشته بود. لازم نبود آقای مهرجویی و ساعدی برای ما توضیحات فراوان درباره چگونگی نقش‌آفرینی بدهند. من بیشترین استفاده را برای بازی بهتر از خود داستان و مطالعه آن کردم. سکانس‌های مختلف فیلم برای متمرکز شدن، الهام بخش بود.»

وی در ادامه حرفه بازیگری گفت: «بازیگری نوعی تقلید است. بنیاد بازیگری تقلید به معنای واقعی است.

در چهارمین روز از برگزاری جشنواره فیلم فجر، نشست آثار گنجینه با عنوان نمایش و نشست بررسی فیلم سینمایی «گاو» با حضور علی نصیریان (بازیگر) و اکبر نبوی (مجری) در خانه جشنواره برگزار شد.

علی نصیریان، بازیگر این فیلم در ابتدا درباره آن گفت: «گاو اولین تجربه سینمایی من بود. پیش از آن مشغول تئاتر بودم. قصه «گاو» از کتاب عزاداران بیل نوشته جناب غلامحسین ساعدی بود. در سال ۳۶ مرکزی با عنوان اداره هنرهای دراماتیک تاسیس شد. از آن زمان ما با جناب ساعدی همکاری کردیم. ابتدا با یک‌سری نمایش‌نامه با مضمون مشروطه با هم کار کردیم.»

یک شب آقای ساعدی با جوانی خوش‌رو به نام داریوش مهرجویی پیش ما آمدند و گفتند که ایشان می‌خواهند فیلم «گاو» را بسازند. ما از شوق حس عجیبی پیدا کردیم و نمی‌دانستیم باید از خوشحالی چه کنیم.»

او درباره شکل‌گیری این فیلم سینمایی اظهار کرد: «ما قبلاً در تلویزیون ایران تئاترهایی را به نمایش گذاشته بودیم که یکی از این تئاترها همین نمایشنامه «گاو» بود. آقای آل‌احمد از این اثر تمجید فراوانی کردند. بعد از آن که سناریوی فیلم نوشته شد و ما فهمیدیم مقوله سینما با تئاتر متفاوت است. داریوش مهرجویی تست‌های فیلمی و سینمایی از ما گرفت و تمرین‌هایی برای ما گذاشت و سکانس‌های پردیالوگ فیلم را در اداره تئاتر تمرین کردیم.»

نصیریان تصریح کرد: «این فیلم برای ما بسیار تاثیرگذار بود. من همیشه گفتم که در «گاو»، مهرجویی ما را با قرار

# گاو

برهان سعید ورامین و اردشیر لوتف  
غلامحسین  
ساعدی

نویسنده: عزت‌الله انتظامی  
کارگردان: علی نصیریان  
بازیگران: جعفر والی، جمشید مشایخی، سعید آقاخانی، مهین شهبازی، پروین فانی زاده، خسرو شجاع زاده، محمود دولت‌آبادی، مازد فروردی، فریدون فغانلو، آرزو، هرمز فرخت

داریوش مهرجویی



حسن می‌میرد، همه از این اتفاق جا می‌خورند. در ادامه هم شخصیتی که به عنوان قوه عاقله است، به نجات روستاییان می‌آید. روستا با مرگ گاو دچار تغییر و بحران می‌شود. این بحران به نوعی معنا در این روستا می‌آورد.»

نصیریان در ادامه به نقش آفرینی عالی عزت‌الله انتظامی اشاره و تاکید کرد: «اینکه مش حسن در پایان بدون اینکه بخواهد شعار بدهد می‌گفت من گاو هستم، خود نشان از تمرکز بازی عالی انتظامی داشت. انتظامی زمانی که همه ما برای استراحت به تهران می‌آمدیم آنجا می‌ماند تا در نقش خود زندگی کند و زمانی که می‌گفت، من گاو مش حسن هستم، به بهترین شکل این فضا را بازی می‌کند. نمی‌دانم اگر من جای شخصیت مش حسن بازی می‌کردم آیا در روستا می‌ماندم یا نه، اما او حاضر نبود روستا را حتی آخر هفته‌ها که فیلمبرداری تعطیل می‌شد ترک کند.»

نصیریان در پایان، به اهمیت واقع‌گرایی در بازیگری رویکردی که در تئاتر به بازی بازیگر می‌شود اشاره کرد و گفت: «بازیگری شغل دشواری است و به گفته دوستانم بعد از کار معدن، بازیگری هم شغل سختی است. بازیگری در تئاتر، مانند جراحی می‌ماند که بدن را مقابل شاگردانی که جویای علم پزشکی هستند، موشکافی می‌کند و حقایق بدن را به نمایش می‌گذارد. اصولاً بازیگران باید هر آنچه در نقش اتفاق می‌افتد باشند. مثلاً خودم در «بوی پیراهن یوسف» زمانی که به دنبال اتوبوس می‌دویدم، نا خودآگاه دستانم باز شد و کج و راست شدم؛ مانند پرنده ای که به دنبال هدفی می‌رود. این در طبیعت بازیگری است که شما را در خود غرق می‌کند.»

یعنی فرد بازیگر ادا و نوای شخص دیگری را برای بیان شباهت، انجام می‌دهد. بازیگری تظاهر به خصوصیات درونی یک شخصیت است. مولانا می‌گوید که تو وقتی در درونت چیزی می‌گذرد، این روی صورتت منعکس می‌شود. ما که نمی‌توانیم همان شخصیت داخل فیلم بشویم. این تظاهر باید آنقدر کار بشود که باور پذیر شود. در درجه اول باید ابتدا بازیگر خود و شخصیتش را باور کند. بازیگران معتقدند که خودشان به نوعی نویسنده هستند. قطعاً اگر نقش من را فرد دیگری بازی می‌کرد، خروجی متفاوتی داشت.»

وی در ادامه خاطره‌ای از ضبط یک سکانس تعریف کرد و گفت: «شبی می‌خواستند مجلس عزاداری در فیلم، ضبط شود. هرچه من آواز خواندم مردم آن روستا که در فیلم بازی کردند، متاثر نشدند. مهرجویی به من گفت که شخصی را برای روضه خواندن پیدا کن. من گشتم و یک روضه‌خوان را پیدا کردم. وقتی او روضه خواند همه گریه کردند. متاثر شدن اهالی آنجا هم وابسته به خودشان بود.»

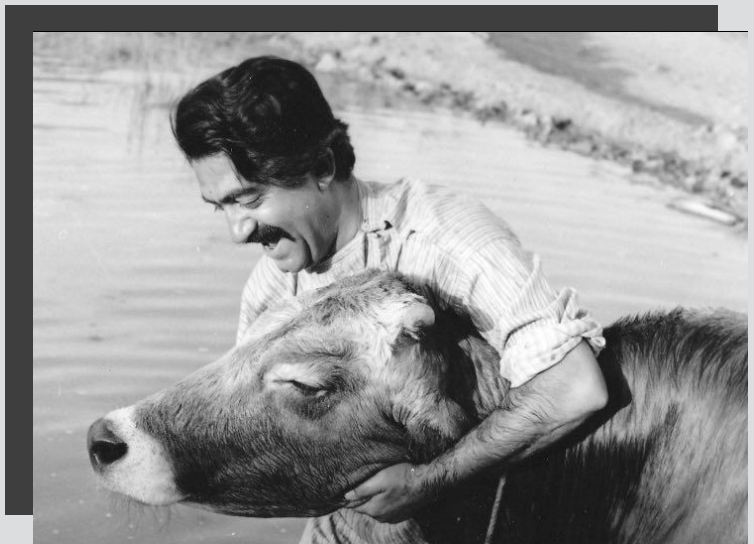
نصیریان درباره شخصیت داریوش مهرجویی بیان کرد: «مهرجویی خیلی با وسواس کار می‌کرد. من اخیراً با او کار کردم و دیدم با وجود بالا رفتن سن هنوز دقت قدیمش را دارد. حتی زمانی که با اهالی روستا بازی می‌کردیم، بارها کار و تمرین می‌کردیم.»

این بازیگر پیشکسوت درباره واقع‌گرایی فیلم سینمایی «گاو» گفت: «این واقع‌گرایی به ساعدی نویسنده کار برمی‌گشت. او یک زندگی روستایی را تجربه کرده بود. مجموعه‌هایی که نوشت مانند آشغال‌دانی، هم از لحاظ زبان و هم از لحاظ شناخت فضا، روحیه روستایی داشت. هیچ‌گاه ساعدی در خانه‌ها را نمی‌نوشت. او همیشه در دهات‌ها مشغول گذار بود. خودم هم در شهرستان‌ها و دهات‌ها رفت و آمد داشتم و این به بازی من در فیلم کمک می‌کرد.»

وی درباره محل فیلمبرداری سینما بیان کرد: «دهی که ما در آن فیلمبرداری کردیم، فضای واقعی گاو نبود. فضای واقعی دهاتی در آذربایجان بود و مردم در بیغوله‌های داخل کوه زندگی می‌کردند. حتی از زندگی که ما می‌خواستیم به نمایش بگذاریم، عکاسی شد و وقتی این عکس‌ها برای مجوز ساخت و نمایش نشان داده شد، گفتند نیاز نیست اصلاً فیلمی با این مضمون بسازیم. به همین دلیل محل ساخت را تغییر دادیم که بتوانیم این اثر را بسازیم.»

نصیریان درباره تکیه مهرجویی به انسان در جهان‌بینی سینمایی‌اش گفت: «اعتلا به انسان یکی از مشخصه‌های مهرجویی است و این ویژگی، مهرجویی را مهرجویی کرد.»

وی در ادامه به نقطه اصلی فیلم بیان کرد: «وقتی گاو مش







در نشست تخصصی نگارش برای اجرا مطرح شد

# فایده تعامل فیلمنامه نویس در حین تولید فیلم



فیلمنامه نویس از ابتدا تا محصول نهایی بسیار می‌تواند مفید باشد. کمتر پیش می‌آید فیلمنامه در اجرا دقیقاً همان چیزی باشد که او انتظار داشته است زیرا ما حضور فیلمنامه نویس را در پیش تولید محدود کرده‌ایم اما فیلمنامه نویس حرفه‌ای می‌داند که با توجه به شرایط ممکن است فیلم به تغییر نیاز داشته باشد.

لقمانی اضافه کرد: می‌توان فیلمنامه نویس را در مراحل بعد از پیش‌تولید دخیل کرد. متأسفانه این تعامل فیلمنامه نویس در اجرا با مراحل دیگر، ضعفی است که دچار آن می‌شویم.

در ادامه مصطفی رستگاری، فیلمنامه نویس از اهمیت آگاهی فیلمنامه نویس نسبت به نحوه اجرا گفت: فیلمنامه دو بخش دارد که بخش اول اشاره به بخش دیداری و قسمت دوم بخش داستانی و نوشتاری آن است. کلمه لطیف‌ترین کالبد مادی دارد و برای تبدیل به دیدار فرایندی لازم است. ادبیات نمایشی با شعر و داستان متفاوت است چراکه مستقیماً با تخیل مرتبط است. زمانی قرار است فیلمنامه‌ای بنویسیم جانی در تصاویر دمیده می‌شود. توصیف صحنه بخشی است که فیلمنامه را از داستان مجزا می‌کند و فیلمنامه نویس باید با تخیل تصویری بنویسد. او ادامه داد: چنین صحنه باید طوری باشد که جان سکانس را بیان کند، در واقع باید انرژی را منتقل کند. اگر دیالوگی هم وجود دارد، این دیالوگ صحنه را تکمیل می‌کند بنابراین توصیف صحنه بسیار اهمیت دارد. ضعف سینمای ایران این است

علی لقمانی مدیر فیلمبرداری در پنجمین روز از برگزاری جشنواره فیلم فجر و در نشست تخصصی تحت عنوان «نگارش برای اجرا» که در خانه جشنواره برگزار شد درخصوص ارتباطات جریان‌های فنی سینما با یکدیگر، گفت: فیلمنامه حلقه اول زنجیره تولیدی فیلم است و فیلمبردار به واسطه کارگردان به این زنجیره متصل می‌شود. ارتباط فیلمبردار به واسطه کارگردان شکل می‌گیرد. اولین آشنایی فیلمبردار با جهان فیلم، مطالعه فیلمنامه است. از نگاه آکادمیک، فیلمنامه اولین جرقه است که براساس آن فیلمبردار تصمیم می‌گیرد به فیلم بیوندد.

او ادامه داد: ما فیلمبرداران پس از مطالعه فیلمنامه تصویری ذهنی از آن می‌سازیم اما سعی می‌کنیم که خود را از آن تصویر دور کنیم چراکه فیلمبردار تصمیم نهایی را نمی‌گیرد و کارگردان ساختمان و اجرایی برای فیلمنامه در نظر می‌گیرد. من سعی می‌کنم تصویرسازی ذهنی خود را به بعد از گفت‌وگو با کارگردان موکول کنم.

لقمانی عنوان کرد: گاهی فیلمبردار و کارگردان دارای اشتراکات و گاهی هم دچار اختلافاتی هستند اما در مجموع به شکل سومی می‌رسند که برآیند نظر هر دو آنها است. اگر نگاه من با فیلمبردار بسیار متفاوت باشد از همکاری اجتناب می‌کنم زیرا کار دشوار شده و محصول نهایی خوب نخواهد شد.

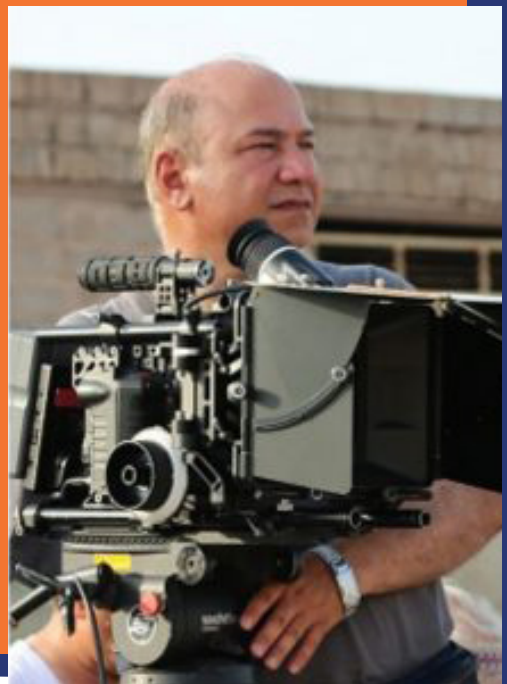
او اضافه کرد: این روزها پیش‌تولید کوتاه شده اما من تصور می‌کنم که تعامل فیلمبردار و

که قصه‌گویی به دیالوگ واگذار می‌شود در حالی که صحنه باید در کنار دیالوگ داستان بگوید. رستگاری ادامه داد: روایت زاویه دیدی است که فیلمنامه‌نویس براساس ژانر قصه انتخاب می‌کند. اگر بخواهیم از واقعیت فاصله بگیریم توصیف صحنه متفاوت می‌شود. فیلمنامه‌نویس‌ها توصیف صحنه کمی دارند زیرا کارگردان این را نمی‌خواهد درحالی که در فیلمنامه‌های حرفه‌ای دنیا توصیف صحنه وجود دارد. البته قرار نیست جای دوربین را مشخص کنیم بلکه باید طوری توصیف کنیم که به کارگردان کمک کند.

علی لقمانی (مدیر فیلمبرداری) عنوان کرد: در خلق فضای بصری فیلم چند نفر دخیل هستند و اگر میان آنها فهم مشترکی از درون‌مایه فیلمنامه و روند و ساختاری که کارگردان انتظار دارد، شکل گیرد خروجی کار مطلوب خواهد شد اما معمولاً این اتفاق نمی‌افتد. اگر وقت کافی در پیش تولید برای خلق اشتراک نگاه وجود داشته باشد، تولید بهتر خواهد بود و تهیه‌کننده آگاه هم این را می‌داند.

وی افزود: اگر من به عنوان فیلمبردار نگاه مشترکی با کارگردان پیدا کنم در برابر تغییرات منعطف‌تر هستم. در شرایطی که جوهره فیلم را درک کنم، می‌توانم به کارگردان پیشنهاد بدهم چراکه در این شرایط پیشنهاد من نتیجه‌بخش خواهد بود. مسعود سفلائی مجری برنامه نیز دراینباره بیان کرد: همین موضوع باعث شده که کارگردان‌ها تصمیم بگیرند که خودشان فیلمنامه‌نویس باشند.

دکتر مصطفی رستگاری در خصوص رابطه کارگردان با فیلمنامه عنوان کرد: کارگردان مدیریت یک پروژه را برعهده دارد و باید با فیلمنامه‌نویسی آشنا باشد و خودش هدایت‌کننده باشد نه مجری. فیلمنامه‌نویسی افراد متخصص خود را می‌خواهد و یکی شدن ذهنیت‌ها می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. همچنین در تولید نیز گفت‌وگو



با کارگردان می‌تواند تغییرات لازم را اعمال کند. کارگردان فردی است که همه اجزای فیلم را در رابطه با ایده متجلی می‌کند. همین پیکره واحد برای تصویری کردن ایده به بهترین شکل ممکن است. اینکه برخی فیلمنامه‌نویسان اجازه تغییر نمی‌دهند.

سفلائی عنوان کرد: متن فیلمنامه محصولی دیداری و شنیداری است اما تمام متن‌ها اینطور نیست و در جزئیات توان تصویری شدن را ندارند. لقمانی در این خصوص اضافه کرد: فیلمنامه‌ها می‌توانند دو شکل داشته باشند، بخشی از آن در زمان مطالعه، فضای خاصی را احساس می‌کند و تکلیف‌تان مشخص می‌شود و برخی اینطور نیست و اگر این فیلمنامه‌ها به گروه خوبی برسند، نتیجه‌بخش خواهد بود چراکه این نوع افراد را به چالش می‌اندازد.

او ادامه داد: فیلمسازی امری گروهی است و کارگردان‌هایی موفق بودند که از بتانسیل افراد به خوبی استفاده کرده‌اند و منفعت این کار به کل گروه می‌رسد.

رستگاری درباره توصیف صحنه بیان کرد: تشخیص بخشی به اشیا، هویت دادن به آن و تماشای کنش افراد در تعامل با اشیا کلید روایت داستان با تصویر است.

لقمانی نیز دریایان خاطرنشان کرد: فیلم با فیلم متفاوت است و فیلمی که مبتنی بر تصویر است با توصیفی بودن فیلمنامه محصول خوبی خواهد بود و فیلمبردار باید نقطه نظرات خود را با کارگردان درمیان بگذارد.

